

بررسی تأثیرات راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران در تولید امنیت منطقه خاورمیانه

(براساس مدل SWOT)

علیرضا امینی^۱

چکیده:

ظهور انقلاب اسلامی ایران تغییرات گسترده‌ای را در سطح منطقه و بین‌الملل ایجاد نمود که در این میان حوزه امنیت در منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. این اتفاق به دلیل حضور یک حکومت انقلابی از اولویت‌های جدی در معادلات امنیتی منطقه خاورمیانه شد. لذا در این مقاله با رویکرد تحلیلی براساس مدل تحلیلی استراتژیک بر مبنای نقاط قوت و ضعف، فرصت و تهدید (SWOT) به بررسی دکترین امنیتی جمهوری اسلامی پرداخته و میزان تأثیرات آن را بر امنیت منطقه خاورمیانه بررسی می‌نماییم. با توجه به پژوهش انجام شده به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران از اصلی‌ترین بازیگران تولید امنیت منطقه است که سعی گردیده در مقاله ذیل اقدامات انجام شده توسط ایران در حوزه امنیت را تبیین نموده و همچنین در مدل مفهومی شکلی به ترسیم کشیده شود تا میزان تأثیر گزاری و اقدامات ایران مشخص گردد.

کلمات کلیدی: راهبرد امنیتی، جمهوری اسلامی ایران، امنیت خاورمیانه

مقدمه:

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه

انقلاب اسلامی ایران از سال (۱۹۷۹ م) (۱۳۵۷ ش) با رویکردی انقلابی، رفتار امنیتی خود را در منطقه خاور میانه بر اساس شاخص های اسلامی و دینی، و نیز همچنین رفتار بین الملل خود را بر همین اساس طراحی نمود. اموری تحت عنوان حل بحران های منطقه ای، ایجاد ارتباطات موثر در بین همسایگان، جلوگیری از نفوذ اسرائیل و امریکا در منطقه را برنامه ریزی کرده و اقدامات خود را بر همین اساس طراحی کرد. شاید عامل اصلی این نگرانی وجود تهدید جدی غرب برای حضور و تاثیر گذاری بر کشورهای همسایه در منطقه و به همراه آن وجود ناتو به عنوان یک قدرت نظامی در نزدیک مرزهای ایران و ایجاد پایگاه های نظامی مختلف در اطراف ایران جهت ایجاد قدرت نظامی عاملی باشد تهدید آمیز برای امنیت ایران که باعث میگردد دغدغه حفظ امنیت خود را برای ایران چند برابر کند.

در کنار این اتفاقات بستر منطقه ای ایران و در کل بستر امنیتی آن ائم از وجود نیروهای خارجی وجود زیر ساخت های انرژی عملا در تمام مدت با هرج و مرج روبرو بوده و یک فضای ناامنی مستمر و برنامه ریزی شده ی خاص در جهت عدم اتحاد بین کشورها شکل گرفته است. برنامه ریزی مانند ایجاد فضاهای قومی و تفکیک کشورها از یکپارچگی، ایجاد فضای نافرمانی های اجتماعی و دست زدن به تولید خصومت های کاذب بین همسایه ها و نیز استهاله نمودن تاریخ کشورها که همه آن ها نشان می دهد. که بر اساس تفکری در جهت ایجاد دشمنی منطقه ای و عدم ایجاد یک فضای ائتلافی و اتحادی است. در حالی که کشورهای این منطقه جغرافیایی به دلیل قدمت تاریخی و ویژگی های مشترکی را دارند. مانند مذهب، تاریخ و ... که هر کدام به تنهایی قابلیت ایجاد یک اتحاد منطقه ای را می توانست ایجاد کند که هم به امنیت منطقه ای کمک کند و هم به ارتقاء توسعه زندگی اجتماعی به دلیل داشتن عمده ثروت ذخایر دنیا بیانجامد اما در عمل این مهم حاصل نگردید و امنیت منطقه به سمت نا امنی و عدم شکل گیری امنیت پایدار سوق پیدا نمود. در این میان با شکل گیری جمهوری اسلامی ایران تهدیدات منطقه ای چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم ناشی از شرایطی بود که امریکا آن را به وجود آورد لذا منطقه و کشورهای آن با مشکلاتی روبرو گردیدند و ایران هدف اصلی این مشکلات قرار گرفت که انقلاب اسلامی ایران برای هر کدام اندیشه ای ایجاد نمود. در این مسیر برا آن شدیم که با به کار گیری یک مدل تحلیلی بتوانیم نقاط قوت و ضعف ایران را در عرصه بین المللی بررسی نموده تا میزان تاثیر گذاری ایران را مشخص کنیم

تعریف امنیت:

در لغت امنیت به معنای ایمن بودن است در امان بودن و ریشه در واژه امن دارد به معنای بی بیم بودن، بی ترس بودن اطمینان و آرامش دائمی است. این لغت در ترجمه انگلیسی خود به عنوان (security) نامیده می شود. در باب تعریف امنیت می توان اینگونه نام برد. حالت فراغت از هرگونه تهدید با حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین المللی به کار برده می شود. (آشوری، ۱۳۸۷:۳۸) باید این موضوع را نیز مورد توجه قرار داد در باب تعریف امنیت مانند خیل عظیم تعاریف علوم انسانی اجماع جامعه ای وجود ندارد.

تعریف خاورمیانه :

واژه خاور میانه نخستین بار در ۱۲۸۱ شمسی ۱۹۰۲ میلادی توسط یک آمریکایی به نام آلفرد تایر ماهان برای توصیف مابین خاور دور و نزدیک به کار رفت. بعد از مدتی این واژه توسط دولت انگلیسی و آمریکا در مکاتبات رسمی به کار برده شد. منظور از خاور میانه همیشه متغیر بوده و در حال حاضر نیز بحث طرح خاور میانه بزرگ مطرح است. این منطقه از لحاظ فرهنگی، تاریخی، و ژئوپولوتیکی و سیاست مهم است

اهمیت خاور میانه در موقعیت ژئوپولوتیکی آن یعنی قرار گرفتن مانند پلی بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند؛ اما اهمیت عمده آن به حوزه سیاست بر می گردد. همانطور که کرد کرزن سیاستمدار مشهور انگلیسی و وزیر خارجه اسبق بریتانیا می نویسد: «ترکستان و افغانستان صحنه شطرنجی هستند که بر روی آن بازی دست یافتن و سیادت بر جهان انجام می شود به همین جهت آینده انگلیسی در اروپا تعیین نمی شود بلکه در قاره ای انجام می شود (آسیا خاورمیانه) که قسمت اعظم مهاجران ما از آنجا آمده اند. (الهی، ۱۳۶۱:۴۴)

تحلیل بر اساس تهدیدات، فرصت ها، نقاط ضعف و قدرت (SWOT)

یکی از مدل های تحلیلی است که به عنوان ابزاری برای برنامه ریزی استراتژیک به کار برده میشود که برای ارزیابی وضعیت داخلی و خارجی یک سازمان استفاده می شود

بر اساس این مدل می توان تحلیلی جهت میزان تولید امنیت منطقه خاور میانه توسط ادبیات امنیتی جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود مدل (SWOT Analysis) ابزاری کار آمد برای شناخت شرایط محیطی و میزان توانایی یک جریان و یا یک سازمان میباشد.

SWOT تحت عنوان بررسی نقاط قوت، ضعف و فرصت و تهدید با تقسیم به دو محور اساسی داخلی و خارجی میپردازد.

الف - ابزار و امکانات تولید قدرت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و بین الملل (نقاط قوت) (شکل ۱)

در ابتدا نیاز است منشاء تولید قدرت سیاسی ایران مورد بررسی قرار گیرد. در این مسیر قدرت ایران را به طور کلی در چهار دسته بندی میتوان قرار داد. ۱- ملی ۲- سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیکی) ۳- نظامی ۴- مذهبی

۱- قدرت ملی

مفهوم از قدرت ملی یعنی تکیه بر داده های تاریخی قومی و نژادی که میتواند عامل موثر در ایجاد قدرت یک کشور در منطقه گردد. در این موارد ایران به دلیل پیشینه تاریخی و قدمت دار خود از شرایط مناسبی برخوردار است مواردی مانند: یک: سابقه تاریخی طولانی، دوم عدم سلطه پذیری تاریخی، سوم تجربه جریانات و ناآرامی های گسترده سیاسی، چهارم مردمی علاقمند به سیاست و جریانات روز سیاسی، پنجم جمعیت جوان، ششم تنوع قومیت، هفتم دستاوردهای علمی جدید و هشتم تولید قدرت نرم تاثیر گذار نام برد

۲- سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیکی)

حوزه جغرافیایی ایران به دلیل خاص بودن آن یکی از ابزارهای تولید قدرت ایران گردیده که میتوان به مهم ترین آن این گونه اشاره کرد. ۱- وجود منابع انرژی گسترده و متنوع (معدنی - نفت و گاز...) ۲- تنوع آب و هوایی ۳- محیط زیست طبیعی ۴- ویژگی های خاص سرزمین های (پستی و بلندی های طبیعی) ۵- دسترسی به آب های آزاد و هم مرزی نزدیک به اروپا و کشورهای پر منابع انرژی منطقه

۳- نظامی

ایران از دوران پهلوی با تکیه بر نیروی انتظامی سعی در ایجاد قدرت گسترده برای حفظ امنیت خود و در عمل به دست گرفتن اقتدار نظامی منطقه بوده است که البته به دلیل عدم وجود باور خود اتکایی و به دلیل تکیه بر غرب (امریکا) نتوانست موفق گردد. اما پس از پیروزی انقلاب با تشکیل سپاه پاسداران در کنار ارتش دارای دو نیروی نظامی دایره اقتدار ایران را در منطقه صد چندان گرداند. در کنار این دو نیروی موجود ایجاد نیروی مردمی با ساختار نظامی تحت عنوان بسیج مستضعفان به فرمان امام خمینی (ره) و حضور مردم در حفظ و صیانت کشور و اعتقادات خود عامل ایجاد اقتدار گسترده ای برای ایران گردید که به طور تیتروار میتوان به آن اشاره نمود. یکم پیشرفت های دفاعی (تولید محصولات نظامی بومی)، دوم صادرات تسلیحات نظامی، سوم حمایت از محور مقاومت منطقه ای حزب الله لبنان و...، چهارم حضور مستشاری در لبنان عراق، سوریه و افغانستان و...، پنجم وجود دو نیروی نظامی متخصص و متعهد (ارتش و سپاه)، ششم وجود نیروی نظامی فرهنگی بسیج مستضعفان

۴- مذهبی

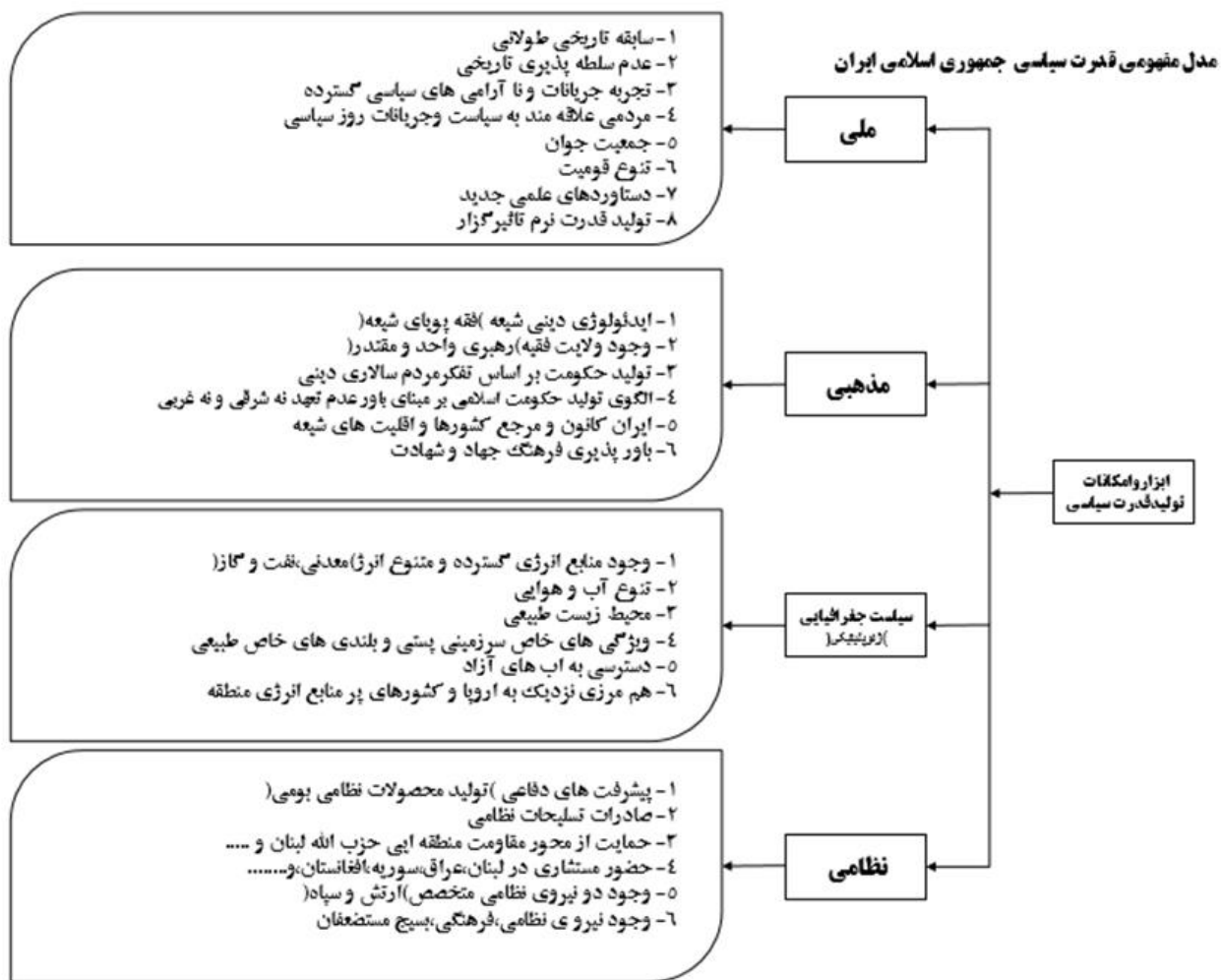
حوزه بحث مذهب و دلیل آن بر محاسبه ابزار و امکانات قدرت ایران اتفاقی است که بر مبنای تفکر و فرهنگ اسلام راستین شیعه و با تکیه بر دو محور قرآن و سیره و سنت پیامبر و انبیاء شرایط ایران را در تولید ابزار قدرت داخلی و خارجی متحول نموده است. فرهنگی که ۱۴۰۰ سال است دنیا را به تحسین خود واداشته و ایران را به عنوان یک کشور با نماد مذهبی شیعه، خاص نموده است

در حوزه ویژگی های اسلام سیاسی شیعه میتوان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- ایدئولوژی دینی شیعه (فقه پویای شیعه) ۲- وجود ولایت فقیه رهبری واحد و مقتدر ۳- تولید حکومت بر اساس تفکر مردم سالاری دینی ۴- الگوی تولید حکومت اسلامی بر مبنای باور عدم تعهد نه شرقی نه غربی ۵- ایران کانون و مرجع کشورها و اقلیت های شیعه ۶- باور پذیری فرهنگ جهاد شهادت

این موارد ذکر شده به عنوان ابزار و امکانات تولید قدرت سیاسی ایران در منطقه است که باعث گردیده که ایران به عنوان بازیگر جدی در عرصه منطقه و بین الملل تبدیل شود و میزان تاثیر گذاری آن در تولید ایجاد شرایط منطقه ای بسیار گسترده گردد و در عمل این مهم عاملی گردید که ایران مبنای راهبرد امنیتی خود را در چهار چوب تولید امنیت منطقه نه تنها تاثیر گذار ساخته بلکه افزایش دهد.

مدل مفهومی قدرت سیاسی جمهوری اسلامی ایران



(شکل ۱)

ب- نقاط ضعف قدرت سیاسی ایران

شایان توجه است با توجه به وجود مفهوم قدرت ایران بر اساس چهار مبنای ملی، مذهبی، سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیکی) و نظامی که قبل تر توضیح داده شد اگر هر کدام از موارد ذکر شده بامشکلات زیر برخورد کند، قطعاً نه تنها به عنوان نقاط قوت نامیده نمیشود بلکه میتواند به عنوان یک خطر ملی جامعه داخلی را قبل از رسیدن به امنیت ملی دچار هرج و مرج گردانده و شرایطی را محیا کند که نقاط قوت به عنوان ضعف شکل بگیرند و عامل تهدید جدی گردد و برای اصل یک نظام سیاسی و ماهیت و حیات یک حکومت را تا مرز نابودی به دنبال خود بکشد.

به همین دلیل با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری در بیانات متعددشان در مجامع گوناگون به ویژه در سالهای اخیر می توان در باب نقاط ضعف جمهوری اسلامی ایران عوامل ذیل را اینگونه نام برد.

۱- خروج نخبگان

۲- مشکلات اقتصادی گسترده (وابستگی به صنعت نفت به صورت گسترده و مستمر

۳- وجود شبکه های رسانه ای هوشمند جریان سازی برای ایجاد نفاق در عرصه ملی

۴- ایجاد تولید خصومت و دین زدایی با تشویق حس ناسیونالیسم

۵- دوئیت و اختلاف و تفرقه

۶- عدم موازنه مابین پیشرفت های علمی با پیشرفت اخلاقی و تزکیه نفس

۷- عدم رسیدن به عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام

۸- غفلت از روحیه جهادی و ایثار

۹- عدم اهتمام به مبارزه با فساد اقتصادی

۱۰- جدا شدن مردم از نظام

۱۱- عدم رسیدن به اتحاد ملی

و همچنین موارد گسترده دیگری که میتواند در عمل باعث ایجاد نقاط ضعف ایران گردد و در عمل بی توجهی به حوزه های قوت و عدم مدیریت درست ایجاد شرایطی خواهد کرد که نقاط قدرت در طول مسیر تبدیل به نقاط گردند که البته بی توجهی به فلسفه و باور نفوذ پذیری نیز از عمده ترین عامل تولید نقاط ضعف است.

ج: تهدیدهای امنیتی منطقه خاور میانه

در تحلیل تهدیدهای موجود منطقه خاور میانه و برای درک درست این تهدیدها در ابتدا نیاز است تقسیم بندی ذیل صورت بگیرد.

الف - تهدیدهای نظامی

ب - تهدیدهای سیاسی

دلیل این تقسیم به دلیل تغییر کردن عمده تهدیدها است که در دنیای حاضر تهدیدها تبدیل به چند وجهی گردیده و در عمل تولید تهدیدها صرفاً از تهدید نظامی فراتر رفته و به تهدیدهای گسترده دیگری تبدیل گردیده که به صورت رسمی نگارنده آن را تهدید سیاسی می داند.

الف - تهدیدهای نظامی

۱ - حضور نظامی آمریکا در منطقه

حضور آمریکا به عنوان یک قوای نظامی برتر در منطقه به عنوان تولید باور هژمونی خود و یا ایجاد پایگاه های نظامی گسترده در عمل به دنبال حفظ نفوذ قدرت سخت خود در منطقه برای ایجاد امنیت اسرائیل و جلوگیری از نفوذ ایران و تحت کنترل گرفتن روسیه به عنوان یک رقیب قدیمی میباشد. این اتفاق پس از حادثه تروریستی یازده سپتامبر گستردهتری به خود گرفت این اتفاق در عمل در حوزه خلیج فارس گستردهتری بیشتر گرفت که کارشناسان معتقدند عمده توجه آمریکا به حوزه خلیج فارس به جهت حفظ منافع نفتی خود و تولید کنندگان جهان تک قطبی است که آمریکا تنها بازیگر اصلی آن خواهد بود که از نمونه های آن میتوان حمله به عراق در تاریخ (۱۹۹۸م) و (۲۰۰۳م) حمله به افغانستان در (۲۰۰۲م) و حمله به یوگسلاوی در (۱۹۹۹م) نام برد که در همه حال نشان از تهدید جدی امنیتی با حضور آمریکا در منطقه دارد.

۲ - وجود ناتو به عنوان یک قدرت نظامی

ناتو یک سازمان تشکیل شده اروپایی است که میتوان آن را یک تعهد امنیتی که از سال ۱۹۴۹ میلادی شکل گرفت نامید حضور ناتو در خاور میانه و حمایت همه جانبه آمریکا از آن و ایجاد فضای حضور او به دلیل همان افزایش قدرت نفوذ و بازیگری آمریکا در منطقه است در عمل ناتو به دلیل حفاظت از منابع انرژی منطقه به نفع دول غربی حضور خود را در منطقه جدی نموده است.

حضور ناتو در عمل به معنای به کار گیری قدرت نظامی مستقر بر علیه مخالفان سیاست آمریکاست ناتو به دلیل جلوگیری از قدرت سیاسی ایران در منطقه عملاً به عنوان نقش محار کننده وارد گردیده است که می توان حضور ناتو رادر عراق و مابقی کشورهای منطقه مشاهده نمود که این سازمان نظامی خود تهدید جدی برای منطقه و خاصه برای ایران است .

۳- اسرائیل تهدید نظامی منطقه ای

اسرائیل به عنوان یک کشور برخوردار از قدرت نظامی پیشرفته و داشتن سلاح هسته ای بالقوه و حضورش در منطقه بالفعل تهدید استراتژیک جدی برای کشورهای منطقه است . کشوری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عدم به رسمیت شناختن این کشور توسط انقلاب اسلامی ایران از خود یک جریان گسترده تخریب و تهدید را آغاز نموده است که به دلیل استفاده از فرصت ها و نفوذ های خود در کشورهای دیگر عملاً تهدیدی جدی برای ایران به شمار می آید عملکرد اسرائیل نیز در طول تاریخ خود، نشان از اقدامات نظامی گسترده و متعدد داشته است، از جمله حمله به تاسیسات تموذ عراق در سال ۱۹۸۱ و جنگ های کوتاه مدت با حزب الله لبنان ۲۲ روزه و... نشان از روحیه ماجراجویی و جنگ طلبی اسرائیل در منطقه دارد .

۴- وجود گروه های تکفیری و تروریستی

منطقه خاور میانه در عمل از مناطقی است که با گستردگی و پراکندگی بیشماری از گروه های مسلح و نظامی روبرو است که این تعداد و نوع پراکندگی ان در مابقی مناطق جغرافیایی زمین اگر بی نظیر نباشد قطعاً کم نظیر است . این اتفاق در سالهای اخیر با گستردگی بیشتر به وجود آمده پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تعداد گسترده ای از گروه ها و فرقه های مسلح به وجود آمد که جدی ترین آن گروه مسلح منافقین میباشد که با حمایت کشورهای غرب در کشور عراق در نزدیک ترین مکان از لحاظ موقعیت مکانی به مرزهای ایران نمونه ای روشن از این دسته گروه های نظامی و شبه نظامی است که در اینجا میتوان به چند مورد آنها نیز اشاره نمود .

۱- القاعده در عربستان در سال ۲۰۰۹ تاسیس گردید

۲- القاعده در مغرب اسلامی تشکیل پس از پایان جنگ افغانستان با کمونیست

۳- الشاب گروه سومالیایی وابسته به القاعده

۴- گردان عبد الله عزام در لبنان سوریه و مصر

۵- طالبان در افغانستان در سال ۱۹۹۴ تاسیس گردید

۶- انصار الشریعه در سال ۲۰۱۲ در لیبی تاسیس گردید

۷- انصار بیت القدس در مصر و تازه تاسیس

۸- جبهه النصره (جبهه النصره الالعل الشام) گروه تکفیری در سوریه

۹- جیش العدل در ایران

۱۰- گروهک ریکی در ایران

۱۱- داعش (دولت اسلامی عراق و شام) در سال ۲۰۰۴ شروع گردید

۱۲- سپاه صحابه در سال ۱۹۸۵ در پاکستان

۱۳- جبهه اسلامی سوریه در سال ۲۰۱۲ در سوریه

۱۴- جیش الاسلام در سال ۲۰۱۳ در سوریه

۱۵- ستاد کل ارتش آزاد سوریه در سال ۲۰۱۱

۱۶- شبکه حقانی در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان

۱۷- جیش المجاهدین و الانصار در سال ۲۰۱۳

۱۸- جیش الفتح در سال ۲۰۱۵

و چند صد گروه دیگر که فقط جهت روشن شدن تعداد گروه های نظامی تروریستی در این مجال تنها به چند مورد آن اشاره گردیده است .

ب - تهدیدهای سیاسی

در حوزه تهدیدهای منطقه ای نوعی تهدیدی وجود دارد که قصد آن ایجاد فضای چند جهتی در عرصه منطقه و ایجاد مدل تفرقه ملی می باشد. در کل تهدید سیاسی در عمل با ایجاد زیر ساخت های مختلف بر اساس قدرت نرم به ایجاد فضای تفرقه افکنی، شبه فراکنی، تشویش اذهان عمومی، تولید آشوب و بی نظمی و در کل به ایجاد ناامنی میپردازد. این موارد در عمل ساختار بنیادی یک جامعه را بدون نیاز به جنگ سخت از هم پاشیده و عملاً جهت تغییر در نظام ها از تضاد بین نیروهای داخلی استفاده میکند. و بدون حضور مستقیم به اهداف خود می رسد.

از نمونه های آن میتوان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱- عدم تعهد راهبردی

به دلیل تنش های تولید شده در منطقه که توسط جریان خارجی با قدمت چندین سده در بین ملت ها ایجاد گردیده و یک فضای نا امنی مابین کشورها به وجود آورده که در عمل به معنای عدم تولید یک اتحاد منطقه

ای می باشد. این اتفاق در طول این سالها باعث شده که منطقه خاورمیانه نتواند یک اتحاد یک جهت برای نیل به اهداف منطقه ای دست یابد البته اتحادیه ها و ساختارهایی شکل گرفته که در عمل به دلیل عدم تعهد نتوانست مسیر طراحی خود را طی کند و در شکل واقعی فقط به عنوان یک اسم و یا یک سازمان که نشست های سالانه دارد و به اعلام اطلاعیه پایان اجلاس ختم گردید. این اتفاق از مهم ترین مشکلات منطقه خاور میانه مابین کشورهای مرتبط در منطقه به نظر می رسد و این عدم تعهد در مابین کشورهای فرصت تولید ناامنی را چندین برابر برای قدرت های بیرونی ایجاد میکند.

۲- تأثیرات مداخله جویانه آمریکا

کشور آمریکا در منطقه با ایجاد یک فضای مداخله مستقیم و غیر مستقیم در تولید فضای نا امن در منطقه در تمام طول حضور خود کوشیده است تا روابط استعماری خود را در منطقه حفظ کند و در اقدامات خود برای رسیدن به این نیاز از تمامی ابزارهای قدرت نرم استفاده نموده است. قدرت نرمی که در عمل به جنگ نرم آمریکا بر منطقه میتوان از آن نام برد. استفاده از ابزارهای رسانه ای قوی تولید نیروهای مخالف مخالف حکومت منطقه ایجاد و عنوان طرح دروغین صلح خاورمیانه، ایجاد دخالت و تغییر دولت ها بر اساس به کارگیری سران مرتبط و یا وابسته به خود چه از طریق استعمار کهنه و چه از طریق تولید استعمار نو و قرار گرفتن در سایه و جلوگیری از رسیدن به یک اتحاد راهبردی مابین کشورهای منطقه را میتوان از اقدامات گسترده آمریکا نام برد.

۳- تأثیرات مداخله جویانه انگلیس

انگلیس به دلیل وجود سابقه تاریخی خود در حوزه استعمار اساساً با یک سیاست همیشگی بر مبنای استعمار طلبی و طمع کاری گسترده روبرو است. کشور انگلیس از همه فرصت های خود برای رسیدن به این دو هدف استفاده میکند و تمامی این مدت در تلاش است که در رقابت موجود با آمریکا در حوزه مداخله از دریافت سهم قابل توجه غافل نماند و به بهترین شکل از امکانات قدرت نرم استفاده می کند. فقط جهت شیوه اقدام نرم مداخله جویانه انگلیس کافی است که به یکی از اقدامات آن یعنی تولید یک بنگاه خبری تحت عنوان بی بی سی اشاره نمود که به زبان های مختلف در ارائه اخبار بر اساس مدل تولید جهت رسیدن به اهداف خود در طول سده های گذشته در طول این سالها باعث ایجاد آشوب و از ان مهم تر هدایت و رهبری آشوب گردیده است.

۴- وجود گروه ها و سازمان های قومی مذهبی جدایی طلب

وجود جنبش های قومی مذهبی و جدایی طلب چه از لحاظ تعداد کمی و جغرافیایی منطقه ای و چه به لحاظ باورهای مذهبی از گستردگی بسیاری برخوردار است. و به دلیل وجود قدرت های جریان ساز و تحریک احساسات این گروه ها این مهم را ایجاد نموده که ها به دنبال جدایی طلبی از سرزمین مادری خود باشند. و باعث گردید تولید گروه هایی مانند پان ترکسیم، پان کردسیم، پان عربیست و... و دیگر گروه ها را در کشورهای منطقه ایجاد کند. این استقلال طلبی به دنبال خود باعث انشقاق کشورها و تکه شدن ملت های

واحد میشود. طبیعی است به طبع این اتفاق حوادثی به وجود می‌آید که میتوان باعث بروز شرایط نا امنی گردد. کدر اینجا میتوان به صورت مختصر به آن اشاره نمود:

در اولین قدم ایجاد تفرقه در کشورها به دلیل حفظ استعمار جهت جلوگیری از قیام های آزادی خواهانه ی کشورها، دومین مهم به دلیل نبودن امکان حیات قومهای جدایی طلب به صورت مستقل قطعاً تحت تاثیر یک جریان بیرونی قرار میگیرند که این اتفاق حاصل حضور غیر مستقیم استعمار گران در عرصه تصمیم گیری کشورهای منطقه است که منافع خود را در خطر می بینند. ایجاد تغییر سردمداران و مسئولین مخالف آنها در سیاست های بین المللی این تئوری قدیمی تفرقه انداز و حکومت کنید در عمل مثال عینی همین اتفاقات منطقه ای است. همان طور که برنارد لويس تئورسین تجزیه طلبی منطقه خاور میانه در همایش ۱۹۷۹ در اتریش طرح تجزیه طلبی خاور میانه یعنی تبدیل خاور میانه به کشورهای کوچک و قابل مدیریت را برای جریان های سیاسی غرب ارائه داد.

۵- ناسیونالیسم عربی

ناسیونالیسم به معنای آگاهی به عضویت ملی است به عناصر تشکیل دهنده ملت ها و اعتقاد به خاک و شاخص های تولید ملت به حدی که نگاه برتری جویی نسبت به مابقی ملت ها ایجاد کند. فرهنگ ناسیونالیسم در عرب برگرفته از اقدامات اسرائیل و امریکا در تولید هدف مشترک. فتنه ای که باعث ایجاد دشمنی در دنیای اسلام می شود. دنیایی که اصل فرهنگ او مفهوم امت اسلامی به معنای واحد و دوری از هر گونه نگاه قومی و قبله ای است را تحت تاثیر و در عمل باعث عدم شکل گیری آن می باشد و این بهترین شکل از مقابله با اتحاد مسلمانان است که می تواند در صورت شکل گیری تولید قدرت گسترده ای نماید که غرب را وادار به عقب نشینی جدی کند. ناسیونالیسم عربی و یا در واقع پان عربیسم نگاه افراطی است که شاید ریشه آن را بتوان در سال ۱۹۴۴ در دمشق مابین روشنفکران عرب پیدا نمود. (عباسیان، ۱۳۸۹)

د- اقدامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاور میانه (فرصت ها)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ م (ش ۱۳۵۷) و با شکل گیری حکومت جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور انقلابی که بنیان انقلاب آن یک انقلاب مردمی بود در منطقه شناخته گردید و منطقه را تحت تاثیر حضور خود قرار داد و لذا با این اتفاق هم بحران های داخلی ایران شدت یافت و هم پس از مدتی کوتاه بحران های خارجی او تهدیدهای جدی را برای این انقلاب نوپا ایجاد نمود. پس از مدتی ایران توانست امنیت داخلی خود را با به کار گیری جنبش مردمی و حضور نظامیان متعهد خود سامان بخشد و در داخل مرزهای خود فقط با عملیات های متفرقه تروریستی روبرو شود که آن هم در طول زمان از حجم آن کاسته گردید. اما ایران در حوزه بین المللی خود نیز توانست ثمراتی را به بار آورد که پس از دفاع مقدس

ایران در مقابل عراق در عمل ایران نفوذ منطقه ای خود را گسترده تر و این گستردگی در طول زمان از درصد بیشتری نیز برخوردار گردید.

بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران اقدامات خود را بر مبنای تهدیدها بر دو محور قرار داد:

الف - راهبرد نظامی

ب - راهبرد سیاسی

الف - راهبرد نظامی

در رابطه راهبردهای نظامی ایران در حفظ امنیت و حضور خود در منطقه میتوان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱- افزایش توان نظامی (افند و پدافند)

ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ با تکیه بر دو عامل یک تفکر بومی سازی و دوم تجربه یک جنگ هشت ساله در عرصه تقویت نیروی دفاعی خود شنایی جدی گرفت. در این مسیر جمهوری اسلامی ایران با افزایش توان موشکی خود در عمل به قدرت منطقه ای و به خصوص منطقه غرب آسیا تبدیل گردیده است. و بی اشتباه نخواهد بود که تلاش غرب و به خصوص امریکا و کشورهای خاص منطقه در جلوگیری از تولید تسلیحات دفاعی ایران و به خصوص توان موشکی نشأت گرفته از افزایش توان پدافندی ایران دانست که همین شاهدی است بر افزایش پیشرفت ایران در حوزه تولیدات نظامی به روز و کارآمد در سطح بین المللی و رسیدن به نقطه تاثیر گذار همان طور که مقام معظم رهبری در نمایشگاه دست آوردهای هوا فضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۳ در باب توان نظامی فرمودند: « باید به گونه ای برنامه ریزی شود که فاصله ها کم شود و در مواردی که فاصله ها کم است از طرف مقابل پیشی بگیریم».

که نشان به عزم این کشور در عرصه تولید صنایع دفاعی پیشرفته دارد و این توانایی زمانی مهم تر میشود که بدانیم ایران ساختار دفاعی خود را بر اساس رویا رویی با مدعی سلطه گری و اقایبی دنیا یعنی امریکا طراحی نموده است.

۲- برقراری امنیت و اقتدار نظامی در خلیج فارس

منطقه خلیج فارس به عنوان یکی از مهم ترین مراکز تامین انرژی دنیا از موقعیت استراتژیک خاصی برخوردار است تا حدی که ان را به عنوان هارتلند انرژی جهان می نامند و به عنوان یک آب راه ارزش اقتصادی گسترده ای دارد. همان طور که ذکر گردید ۶۳ درصد بر خورداری از کل ذخایر نفتی دنیا و ۲۸/۵ درصد کل ذخایر گازی دنیا این منطقه را خاص می کند و همچنین کشور ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز را با خلیج فارس دارد و نقش ایران را در حوزه حضور خلیج پر رنگ تر میکند. این مرز مشترک نه تنها مرز آبی بلکه تنها

راه آبی است که ایران را به آبهای آزاد متصل میکند. و طبعاً برای حفظ آن و خروج بیگانگان از چنین منطقه ای حیاتی ایران به دنبال راهبردهای اساسی و عملی است که در این میان طرح موازنه قوا توسط کشورهای همسایه خلیج فارس در دستور کار ایران قرار گرفت تا تمام کشورهای مرتبط با حوزه خلیج فارس بدون حضور قدرت بیگانه امنیت خلیج فارس را تأمین کنند البته این تفکر در عمل صورت نگرفته است. اما دکترین جمهوری اسلامی ایران باعث گردید تا حضور ایران را در آب های خلیج فارس به عنوان یک نیروی مقتدر معرفی کند.

همان طور که روزنامه الاخبار چاپ بیروت در بررسی قدرت نظامی ایران در آب های خلیج فارس در گزارشی بیان میدارد: قدرت نظامی نیروی دریایی ایران با بیش از ۲۰ هزار نیرو در خلیج فارس، دریای عمان و به خصوص تنگه هرمز که ترس بسته شدن آن جهان را فراگرفته تقویت شده است و در صورت شروع هر رخدادی در منطقه این نیروها با به کار گیری تاکتیکهای ویژه و مجهز بودن نیروهای دریایی ایران به عنوان مهمات وسایل جنگی مدرن مثل گشت های بی سرنشین در آب های خلیج فارس زیر دریایی های مدرن ساخت داخل وارد عمل خواهد شد که این موضوع بر ضعف نیروهای امریکایی در منطقه مقابل قدرت ایران تأکید دارد.

۳- حضور مستشاری نظامی (عراق، سوریه، افغانستان و...)

حضور مستشاری نظامی ایران در کشورهای منطقه بیشتر به حضور نخبگان نظامی این کشور در کشورهای منطقه مرتبط میشود تا صرفاً مستشاران نظامی و شاید دلیل عمده این حضور را بتوان تجربه نیروهای نظامی ایران در بسیج مردمی جهت دفاع از تمامیت ارضی دانست.

ایران به دلیل تجربه ایجاد بسیج مستضعفان که یک نیروی مردمی و نظامی بود چه در دفاع مقدس (جنگ ۸ ساله با عراق) و چه در کنترل کشور و تولید امنیت دارای تجربه ای موفق و موثر بوده.

لذا این تجربه موفق باعث گردیده که ایجاد ساماندهی چنین نیرویی را چه در عراق و سوریه و دیگر کشورهای که از ایران درخواست کمک کردند در برنامه داشته باشد. این حضور در عمل جایگاه ایران در تصمیم گیریهای کشورهای دچار بحران را چند برابر کرده است که از نمونه های آن را در عراق میتوان نیروی مردمی ((حشد الشعبی)) نام برد.

این حضور کمک شایانی به تبدیل بازیگر اصلی شدن ایران در منطقه و کمک به تولید ایجاد وحدت پایدار مابین کشورهای تأثیر گذار منطقه خواهد بود.

۴- وجود ارتباط نزدیک با حزب الله لبنان

ارتباط ایران با حزب الله لبنان به عنوان بزرگترین حزب شیعی که تشکیلات سیاسی مذهبی و نظامی در لبنان دارد در عمل برای مقابله با تهدیدات نظامی اسرائیل به وجود آمده و با ایران پیوند عمیقی دارد و از حمایت

همه جانبه ایران برخوردار است که در عمل باعث تبدیل ایران به عنوان یک قدرت نظامی می گردد. این اتفاق پس از جنگ های ۲۲ و ۳۳ روز لبنان پر رنگ تر گردید که از نتایج آن میتوان به موارد ذیل اشاره کرد. ۱. اثبات ایران به عنوان قدرت نظامی منطقه ۲ - جلوگیری از تولید هژمونی منطقه ای ۳ - تأثیر در ایجاد صلح در خاور میانه ۴ - تولید هویت برای فلسفه بیداری اسلامی که تماماً نشان از تولید اقتدار ایران در منطقه و تبدیل شدن ایران به قدرت اول منطقه می دهد. (صورتچی، ۱۳۹۲) و (متقی، ۱۳۸۹)

ب - راهبرد سیاسی

۱- گرفتن ابتکار عمل از آمریکا

حضور پر قدرت ایران در منطقه و ایجاد تئوری ارتباط با کشورهای منطقه در عمل باعث گردید که ابتکار عمل آمریکا برای حضور فیزیکی در منطقه تحت تأثیر خود قرار گیرد. عملیاتی مانند تجزیه خاور میانه که به کشورهای کوچک تر و نفوذ آمریکا بر منابع منطقه نشان از دست گرفتن قدرت منطقه توسط آمریکا میباشد. همچنین در حوزه رسانه ای نیز در عمل اقدام آمریکا را با بحران جدی روبرو نموده است و نیز پس از حادثه ۱۱ سپتامبر که طرح خاورمیانه بزرگ مطرح گردید عملاً در حال تبدیل شدن به خاور میانه اسلامی است. در این مسیر راهبرد نرم افزاری ایران برای مهار راهبردهای تفرقه انگیز باتکیه بر براندازی حکومت ها به شکست انجامید. به نقل از خبرگزاری فردا مورخه ۱۴/۴/۱۳۹۵ که مانند حضور تأثیرگذار در سوریه و عراق همانطور که اندیشکده امریس پکن اینتر پرایز نوشت تهران همچنان در چهار جبهه بزرگ منطقه ای حضور دارد و به زودی ممکن است منطقه پنجمی شاهد افزایش حضور ایران باشد. باز هم این مهم نشان از حضور گسترده ایران در منطقه است و عملاً حضور آمریکا را کم رنگ تر نموده است.

۲ - خروج ایران از سنتو

در سال ۱۳۵۷ از پیمان سنتو (سازمان پیمان مرکزی) که معروف به پیمان بغداد است تحت عنوان اینکه وزرات امور خارجه ایران طی اطلاعیه ای این قرار داد را قرار دادی نظیر پیمان سعد اباد میدانست و معتقد بود این پیمان تنها متضمن منافع ابر قدرتها بوده است. خروج رسمی خود را اعلام نمود که نشان از سیاست خارجه ایران بر مبنای نه شرقی نه غربی بود. این پیمان در ظاهر پیمان امنیتی بود اما در عمل به حفظ منافع انگلیسی و آمریکا و نگرانی از نفوذ شوروی در منطقه به دلیل سهم انرژی ایجاد گردید. پیمانی که جهت سد کردن نفوذ شوروی از طریق این پیمان شکل می گرفت و دلیل اسم آن هم بر اساس قرار گرفتن مابین پیمان ناتو و سنتو بود که با خروج ایران و در سال ۱۹۷۹ خروج پاکستان این پیمان استراتژیک برای انگلیس و آمریکا از بین رفت. وقتی دفتر آن در آنکارا در سال ۱۹۷۹ بسته شد و این عمل ایران به دنبال خود ضربه ای سنگین به اعتبار آمریکا در منطقه و ایجاد نگرانی آن برای اسرائیل و در عملکرد شکست هژمونی آمریکا در منطقه منجر گردید و بعد از آن هم پیوستن ایران به جنبش غیر متعهدها ساختمان قدرتی آمریکا در منطقه را فرو ریخت.

۳ - اقدامات تبلیغاتی و ترویجی افزایش علقه ملی

علاقه ملی و یا عرق به وطن در تمامی کشورها و اکثر مردم دنیا وجود دارد و شاید بتوان این امر را از امور بدیهی هر ملتی دانست و ریشه آن را نیز در غریزی بودن وجود انسان جستجو نمود ولی در هر حال این ویژگی در کشورهای که دارای تعدد قومیت هستند برای حفظ همیت ملی لازم و نیاز به اقدامات فرهنگی گسترده دارد و ایران نیز به عنوان یک کشور چند قومی از این واقعیت مبری نبوده و این اقدام نیز از موضوعات و راهبردهای سیاسی ایران برای مقابله است.

با هجمه های تبلیغاتی در این سالها ی متمادی است . ایران با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تولید یک مجسمه همگانی از سمت دشمنان خود با جنگ نرمی روبرو گردید که در سالهای اولیه انقلاب به دنبال خود عملیات های نظامی گسترده ای را در قومیت های ایران ایجاد نموده بود . ایران با اقدامات خود شرایطی را مهیا نمود که نه تنها این اقدامات نظامی را خنثی بلکه به دنبال آن یک احساس علقه ملی را ایجاد کرد که نماد آن حضور قشر گسترده ای از جوانان در جای جای مختلف ایران در دفاع مقدس ۸ ساله در مقابل عراق را می توان مشاهده کرد که افراد خارج از نوع گویش ، قومیت و مذهب در ذیل سایه ی واحد یک پرچم به دفاع از مرز و بوم کشور پرداخته . این مهم را شاید بتوان در عوامل ذیل جستجو کرد .

۱ - دین تشیع که با حضور مبلغان مذهبی پس از انقلاب عاملی گسترده جهت افزایش همبستگی گردید موضوعی تحت عنوان امت واحد که هم مردم را به هم نزدیک کرد و هم عامل ترویجی و تبلیغی گسترده ای نیز برای ارتقاء این باور در سطح ملی و فرا ملی گردید .

۲ - اعلام و شفاف سازی طرح نظام سلطه و برنامه ریزی آن ها برای تولید انشقاق و چند دستگی و جلوگیری از تولید یک اراده ملی همگانی این شفاف سازی پس از پیروزی انقلاب به اشکال گوناگون مطرح گردید . و در جامعه به یک باور گسترده رسید به غیر از دسته ای که در عمل عاملان غرب بودند حتی اکثر مخالفان نظام نیز به برنامه و طرح نظام سلطه جهت رسیدن به این هدف اذعان داشته اند .

۳ - بازخوانی جایگاه ولایت فقیه که میتوان از آن به عنوان یک مشروعیت تاریخی و فرا زمانی که ستون اجماع ملی و مبنای مصالح اجتماعی است نام برد و نیز می توان ان را در تاریخ گذشته ایران دنبال نمود و در عمل به دلیل تفکر جذب حداکثری و دفع حداقلی در تفکر رهبری جامعه اسلامی آن را می بایست یکی از عوامل مهم تولید یک علاقه ملی دانست . (معنوی، ۱۳۹۳)

۴ - راه اندازی مجامع و ریاست جهانی و منطقه ای (مجمع مدنی تغریب مذاهب - بیداری اسلامی - اهل بیت (...)

* ایران با راه اندازی مجامع جهانی مانند:

۱- مجمع جهانی صلح اسلامی که سازمانی مردم نهاد از سال (۱۳۸۶ش) در جهت ایجاد صلح و عدالت در عرصه بین الملل اقدام می کند.

۲- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

که بر اساس ایجاد فضای نزدیکی پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت یک دیگر و دستیابی به اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترک اسلامی است که در پی تفرقه ها و اختلاف های منطقه ای و مابین مسلمانان شکل گرفت .

۲- مجمع جهانی اهل بیت

که در سال ۱۳۶۹ به دست نخبگان پیرو اهل بیت ها و تحت مرجعیت شیعه آغاز به کار کرد که وظیفه آن سازماندهی آموزشی و پشتیبانی از علاقه مندان خاندان پیامبر است که بر اساس عضویت جمعی از علما و شخصیت های دینی فرهنگی جهان اسلام در عرصه امور خود اقدام میکند.

۳- مجمع جهانی بیداری اسلامی

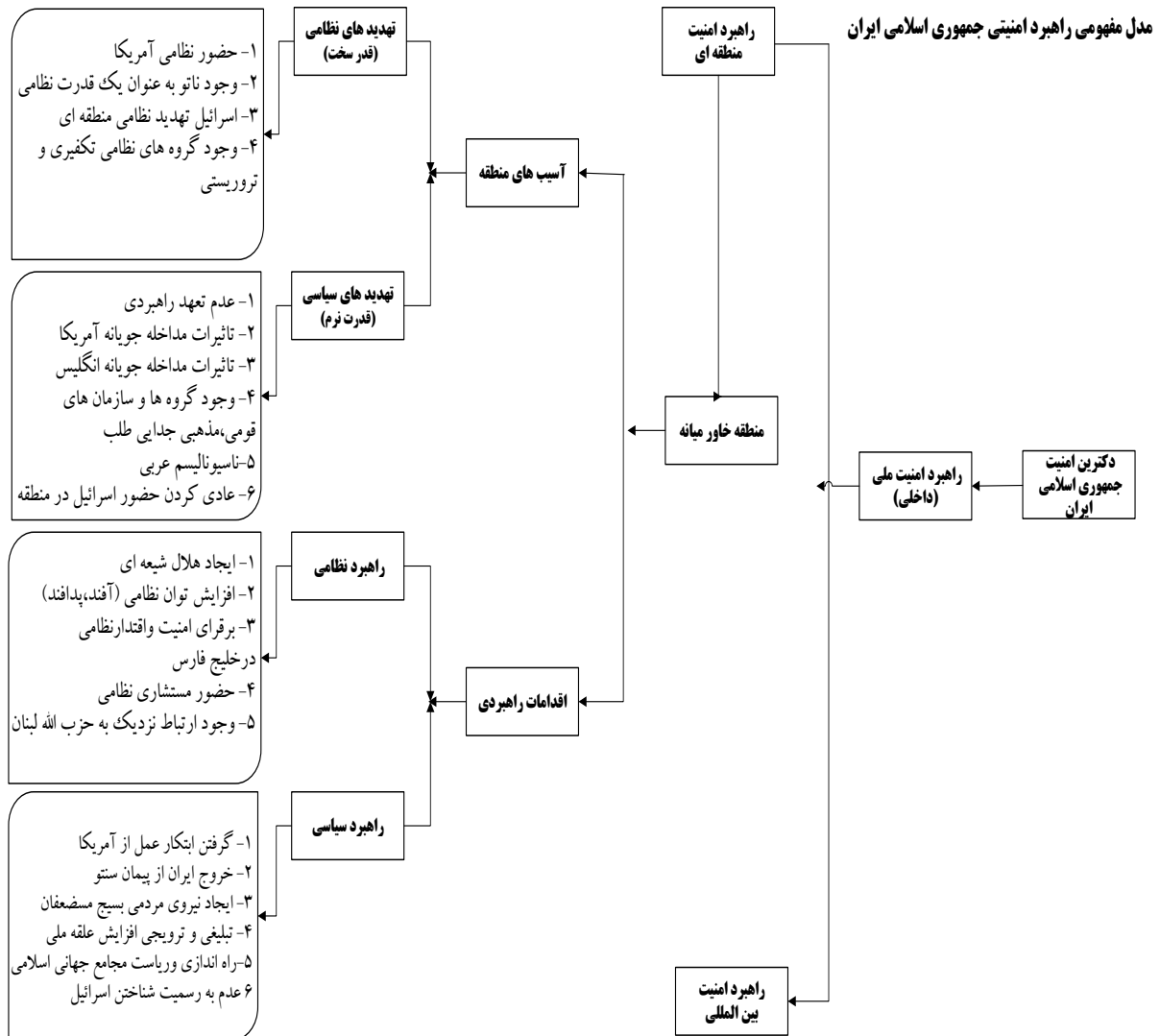
این مجمع در سال ۱۳۹۰ به صورت رسمی با تدبیر رهبر انقلاب اسلامی ایران آغاز به فعالیت نمود که در اولین نشست خود حدود ۷۰۰ نفر از شخصیت های بزرگ جهان اسلام سنی و شیعه از کشورهای عربی و غیر عربی و از قاره های گوناگون حضور داشته اند و در عمل اقدامات آن برای زنده نگه داشتن بیداری اسلامی در منطقه و یک جریان سازی فرا منطقه ای برای حفظ هویت بیداری ملت مسلمانان منطقه می باشد.

و چندین نمونه دیگر که هر کدام برای ایجاد وحدت و هم فکری گروه های مسلمان توسط ایران راه اندازی و تبدیل به فرصتی جهت رسیدن به اهداف سیاسی ایران برای رساندن پیام خود و میزان تاثیر گذاری در منطقه و فرا منطقه است .

۵- عدم به رسمیت شناختن اسرائیل

پس از انقلاب اسلامی ایران کشور ایران به سبب نوع ایدئولوژی دینی خود که بر مبنای آزادی خواهی و حمایت از مظلوم بود روابط خود را با اسرائیل قطع و این کشور را غاصب و غیر مشروع نامید . این اقدام ایران عملاً فرصتی را برای به انزوا کشیدن اسرائیل آغاز نمود که باعث می گردید کشور اسرائیل موقعیت خود را در منطقه خاور میانه با بحران جدی روبرو ببیند . این اقدام پس از صلح اعراب با اسرائیل جنبه های جدی تری و شرایط بین المللی جدیدی به خود گرفت .

دکترین امنیت جمهوری اسلامی ایران



نتیجه :

با توجه به موضوعات مطرح شده می‌توان انقلاب اسلامی ایران را به عنوان یک دولت مطرح بر امنیت منطقه مشاهده نمود تأثیراتی که قابل مشاهده و ردیابی است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل ام القرای بودن خود در حوزه دین اسلام و مطرح شدن به عنوان سردمدار جهان تشیع در عمل مسیر تأثیرات خود را بر حوزه امنیت منطقه پر رنگ نموده است تأثیراتی که می‌توان آن را به پذیرش ایران به عنوان بازیگر اصلی منطقه خاورمیانه نام برد همان طور که برزگر معتقد است دو عنصر مهم در حوزه قدرت ملی ایران ژئوپلتیک و عنصر ایدئولوژی شیعی (جذب شیعیان منطقه) نام است.

در کنار این ویژگی، ویژگی‌های ژئوپلتیک خاص ایران این کشور را در شرایط ویژه‌ای قرار داد همان طور که سیمبر در نوشته خود ذکر می‌کند ادو رویداد مهم در عرصه ژئوپلتیک منجر به پیوند میان اسلام و ژئوپلتیک شد، نخست حضور اسلام‌گرایی پس از برخورد اعراب و اسرائیل در قضیه‌ی فلسطین، به ویژه پس از جنگ شش روزه در منطقه خاورمیانه و پس از آن وقوع انقلاب اسلامی در ایران و در منطقه خلیج فارس که هر کدام به نوبه‌ی خود آثار مهمی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی داشته‌اند [سیمبر، ۱۳۸۵: ۱۰۹]

نقش جمهوری اسلامی ایران در پی افزایش نقش آن در امنیت خاورمیانه و تبدیل شدن به کشور تأثیر گذار پس از بحران عراق توسط آمریکا و حمله ۱۱ سپتامبر پر رنگ‌تر و مورد توجه جدی‌تر قرار گرفت تا جایی که هنری کسینجر در مصاحبه با رادیو ملی آمریکا (با اشاره به جایگاه تاریخی NPR/ ایران و نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه ایران را مستعدترین کشور منطقه برای ایجاد هژمونی و تشکیل یک امپراتوری قوی در خاورمیانه دانسته و وی معتقد است «این مسئله از منظر استراتژیک یک فرصت بی نظیر خاورمیانه در حال تغییر است در شرایط کنونی یک محور شیعه از ایران تا بغداد و سوریه در اختیار ایران قرار داده است و از آنجا تا جنوب لبنان و مرزهای مدیترانه کشیده شده است که این مسئله در شرایط کنونی امکان تشکیل مرزهای سیاسی سابق خاورمیانه در حال فرسایش است و امپراتوری را به ایران در منطقه خاورمیانه می‌دهد».

همان طور که ایرنا خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۹۴/۳/۱۷ انتشار کرد که در کنفرانس ضد جنگ در لندن در سال ۲۰۱۵ ماه ژوئن به ریاست جرمی کوربین نماینده حزب کارگر لندن ضمن اعلام بر حضور و دخالت غربیان و بالاحص دخالت‌های آمریکا در خاور میانه ثمری جز ویرانی و خسارت نداشته است. بر اینکه جمهوری اسلامی ایران کشوری مهم در منطقه خاور میانه است که میتواند نقش مهمی در حل بحران‌های منطقه ایفا کند نیز تاکید جدی میگردد. و همچنین نشان از میزان مهم بودن و تأثیر گذاری ایران در منطقه است. این اتفاق که سیاست مداران غربی نیز برای حفظ امنیت در منطقه خلیج فارس ایران را نه یک رکن بلکه بازیگر اصلی که توان برقراری صلح منطقه ای و ایجاد امنیت منطقه ای میدانند نشان میدهد که ایران با

استفاده از فرصت های موجود خود توانسته خود را به یک بازیگر اصلی در سیاست تولید امنیت در منطقه تبدیل کند و این نشان می دهد که مسیر و اهداف ایران در جهت غایت درست و موثر است .

این که فردی کار کشته در عرصه سیاست بین الملل مانند کسینجر پذیرش ایران و تأثیرات آن را در منطقه حتی بیش از یک بازیگر اصلی تا حد امپراتوری می داند نشان می دهد دایره تأثیر گذاری ایران در منطقه خاورمیانه نه یک توهم بلکه امری واقعی و محتمل است که باید نسبت به میزان آن بررسی و اظهار نظر نمود همان طور که رابرت کوهن درباره ویژگی های قدرت منطقه ای معتقد است ایران تلاش می کند تا خود را به عنوان هسته و مرکز منطقه مطرح کند. از جهت اقتصادی و ارتباطی تلاش می کند تا به گره موصلاتی و مرکز منطقه تبدیل شود. نفوذ نظامی را در منطقه دنبال می کند، تلاش می کند تا جلوی قدرت های جهانی در آن منطقه را بگیرد، خواسته های برتری جویانه در کل منطقه دارد.

حتی برخی از متفکران خوب با تکیه بر اقدامات ایران در منطقه و عرصه خاورمیانه به باور آن که ایران توانست به عنوان نقش برتر خود برسد اذعان دارند همانند لامونت که معتقد است:

۱- عدم حضور نظامی آمریکا در منطقه نسبت به قبل

۲- تهدید اسرائیل توسط حزب الله

۳- نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران در منطقه خصوصاً عراق و لبنان

۴- تشکل های تشیعی

۵- مذاکره در خصوص موضوع هسته ای با غرب

نشان از برتری قدرت ایران دارد به همین منظر است که پذیرش قدرت ایران نه تنها در دیدگاه بسیاری از متفکران بلکه در عمل با توجه به شاخص های مولف در عرصه تولید هژمونی تأثیر بسزایی داشته و عملاً به عنوان قدرت اصلی که می تواند نظام منطقه را کنترل و در کمترین حالت آن را تحت تأثیر جدی خود قرار دهد نشان می دهد روزنامه ماوراء الخبر در گزارش تحلیلی مفصلی از قدرت روز افزون ایران در منطقه و جهان می نویسد: «اعراب فریب خورده ایم، مثل گذشته همدیگر را به چه بهانه ای می کشیم؟ شیعه؟ سنی؟ رافضی؟ تکفیری؟ بهتر نیست چشمان نابینای خود را باز کرده و به اطراف خود نگاه کنیم؟ غرب هم دیگر از ایرانی ها ترس دارد، اما ما تدبیری نکرده ایم ... به ما گفته اند، حکومت ایران خواهان تشکیل نوعی حکومت صفوی است، اما من می گویم اشتباه می کنند، نگاه رهبران ایران از مرو تا قاهره است! آن ها یک دستشان را روی مرزهای غربی افغانستان گذاشته اند و دست دیگرشان را در سواحل مدیترانه ولی سوریه و لبنان فرمان از تهران و اجرا از بغداد و دمشق و بیروت و صفا این واقعیت امروز ماست»

فارغ از نگاه بدبینانه نسبت به نیت جمهوری اسلامی ایران این روزنامه مراکشی آنچه مشخص است اذعان به میزان تأثیر گذاری ایران بر منطقه و تولید یک جریان آرامش زا جهت به اتحاد رساندن منطقه است حرف این

روزنامه از این که ایران به قدرت اول تبدیل شود حکایت نمی‌کند بلکه می‌پذیرد ایران قدرت اول منطقه است.

همچنین در ناحیه قدرت و تأثیر داشتن ایران در منطقه روزنامه رای‌الیوم می‌نویسد: «باراک اوباما همواره در قبال ایران تواضع از خود نشان می‌دهد چرا که او به این نتیجه رسیده که ایران قدرت اول منطقه است» همین تفکر که در این روزنامه به آن پرداخته می‌شود نشان از میزان قدرت نفوذ ایران در منطقه دارد.

همین باور را نیز در سر مقاله همین نشریه که ایران به یک قدرت بزرگ منطقه‌ای تبدیل شده است توسط تحلیل‌گر مشهور مسائل سیاسی عرب عبد الباری عطوان مجدداً عنوان می‌گردد.

این که ایران به عنوان قدرت تأثیر گذار در منطقه و بلاخص عامل ایجاد امنیت در منطقه خاورمیانه در نگاه اروپائیان نیز مطرح است همان طور که روزنامه آلمانی تاگس سایترنگ در گزارشی از اوضاع بحرانی منطقه خاورمیانه، به نقش محوری ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای اشاره نمود و این گونه نوشت: «حل بحران‌های خاورمیانه از جمله مقابله با فتنه داعش، بدون کمک ایران تقریباً غیر ممکن است. در گزارش این روزنامه آلمانی آمده است: بی تردید ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای دارای نفوذ بسیاری در میان کشورهای از جمله عراق، سوریه، لبنان و فلسطین است و به همین خاطر باید در چارچوب اقدامات هماهنگ شده در زمینه مبارزه بین‌المللی با داعش دخیل باشد»

و یا تأکید متفکران حوزه سیاست به این که حضور ایران برای تولید امنیت در منطقه امری واجب و غیر قابل انکار است را می‌توان در گفت و گوی استفان زونز استاد دانشگاه سان فرانسیسکو با رادیو روسی اسپاتیک مشاهده نمود که معتقد است «روس‌ها متوجه شده‌اند که باید با ایران به عنوان قدرت منطقه رفتار نمایند. همه این باور آن است که ایران و حضور ایران در تولید امنیت در منطقه از عوامل واجب و حیاتی است و این اتفاق در طول تاریخ از شروع انقلاب اسلامی ایران در عرصه منطقه امری قابل مشاهده و بدیهی است همان طور که به گزارش مرکز رصد راهبردی اندیشکده‌های استراتژیک اشراف مجله دیپلمات در مقاله‌ای به قلم «آخیش پیلاماری» در بررسی نقش مهم ایران در آینده و تحولات خاورمیانه به نقش کلیدی ایران در منطقه و توانایی این کشور برای ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه معتقد است و اذعان دارد ایران در شرایط توازن منحصر به فردی قرار دارد.

لذا این که ایران به دلیل ویژگی‌های ساختاری به عنوان مهم‌ترین کشور منطقه شناخته می‌شود امری مورد قبول برای جمع گسترده‌ای از سیاسیون و تئوری پردازان حوزه سیاست و امنیت است این اتفاق آنچنان معلوم است که کارشناسان مهم‌ترین تهدیدات امنیت ملی آمریکا را نفوذ ایران در سراسر منطقه خاورمیانه می‌دانند و این نقش نیز پس از ۱۱ سپتامبر و بحران عراق نه تنها بیشتر بلکه موثرتر نمایان گردید و ایران را در محور توجه‌ها قرار داد.

شاهدین نگرانی نفوذ ایران در منطقه را می‌توان در مقاله تحقیقاتی فی مابین موسسه تجاری آمریکا و موسسه مطالعات جنگ آن در سال ۲۰۱۲ تحت عنوان نفوذ ایران در شام، مصر، عراق و افغانستان مشاهده نمود.

مطالعه نفوذ منطقه‌ای توسط ما در سال ۲۰۰۷ شروع گردید که ایران در حوزه قدرت نخست و هم در قدرت نرم به منظور تحکیم موقعیت تهران در منطقه را دیدیم الگوی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دیپلماتیک ایران دارای یک وحدت و یکپارچگی طراحی شده است که مطالعه‌ها نشان می‌دهد که ایران به دنبال ایجاد قدرت هوشمند و منسجم در منطقه است و در ارزیابی و نتیجه کلی می‌توان مشاهده کرد امنیت رو به رشد استراتژی ایران در منطقه به عنوان یک اصل حاکم، آمریکا و متحدان آن در منطقه باید نفوذ ایران را بپذیرند و یک برنامه استراتژی منسجم برای مقابله با آن ایجاد کنند. با توجه به قدرت اقتصادی، سیاسی، و دیپلماتیک نسبی هر دو طرف نیاز است برای آمریکا و متحدان خود افزایش قدرت نرم ایران غیر قابل قبول است.

با توجه به موضوعات گفته شده و اقدامات انجام شده در عرصه حضور انقلاب اسلامی ایران در منطقه و جهان می‌توان ایران را به عنوان یک قدرت منطقه پذیرش نمود همان طور که سیاسیون کشورهای همسایه نیز به این واقعیت اذعان دارند. معن الجربا در مصاحبه اختصاصی با شبکه خبر العالم گفت «برخی نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند که ایران هم اکنون به قدرت واقعی منطقه تبدیل شده است»

ایران در اقداماتی مانند حفظ امنیت خلیج فارس، بازیگر اصلی لبنان و حضور در عراق و سوریه در عمل تبدیل به قدرت منطقه‌ای تبدیل گردیده است انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک نظام اسلام شیعه‌ای جهت رسیدن به کاهش تهدیدهای امنیتی در منطقه با رویکرد تولید امنیت ایجاد فضای اتحاد منطقه‌ای رویکرد دیپلماسی برون‌زا را در پیش گرفت و به دلیل داشتن بیشترین مرز آبی با خلیج فارس و پیشرفت علمی در منطقه توانست تأثیر بسزایی در تولید امنیت منطقه ایجاد کند.

منابع:

۱. اصلانی، فیروز، (۱۳۹۱)، «امنیت جمهوری اسلامی و نهادهای سیاست‌گذار»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، ص ۴۰-۲۱
۲. بیلگین، پینار، (۱۳۹۳)، «امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه»، مترجم عسگر قهرمان‌پور، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر
۳. حسین‌زاده دیلمی، علیرضا، (۱۳۹۰)، «تأملی در عناصر تمدنی اندیشه‌ی ولایی شیعی و روند تأثیر‌گذاری آن بر سیاست بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. روین، باری، (۱۳۹۵)، «ایران خیزش یک قدرت منطقه‌ای»، مترجم کیانوشی کیاکجوری، موسسه مطالعات ژئوپولیتیک، استراتژیک، تاریخ و جغرافیای خلیج فارس
۵. قنبرلو، عبدالله، (۱۳۸۸)، «مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی، زمستان شماره ۶، از صفحه ۳۷ تا ۶۶
۶. مشیرزاده، حمیرا، ابراهیمی، نبی‌ا...، (۱۳۹۰)، «تحول در مفاهیم روابط بین‌الملل (مجموعه مقالات)»
تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۷. نادری، احمد، (۱۳۹۰)، «ناسیونالیسم عربی و موانع فرهنگی تحقق اتحادیه خلیج فارس»، اردیبهشت، چاپ شده در جامعه خبری و تحلیلی، قابل مشاهده در سایت Alef.ir
۸. نگاهیان، ابراهیم، (۱۳۹۳)، «مفهوم امنیت»، پایان‌نامه دانشگاه آزاد تهران مرکزی، دانشکده حقوق.
۹. نیاکوئی، سیدامیر، بهنش، حسین، (۱۳۹۳)، «راهبرد امنیتی ایران در مقابل تحركات ژئوپلیتیکی آمریکا در خاورمیانه (۲۰۱۵-۲۰۰۱)»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره چهارم، ص ۵۷-۸۹

۱۰. واعظی، محمود، (۱۳۸۶)، «ایران در موازنه قوای جدید خاورمیانه»، معاونت پژوهش‌های سیاست

خارجی.

مراجع:

۱. آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، «دانشنامه سیاسی»، تهران: انتشارات سهروردی و مروارید، چاپ اول، بهار، صفحه ۳۸ و ۳۹.

۲. الهی، همایون، (۱۳۸۴)، «خلیج فارس و مسائل آن»، تهران: نشر قومس، ص ۲۰

۳. سیمبر، رضا، (۱۳۸۵)، «ژئوپلیتیک و مذهب در نظام بین الملل - راهبردها و تحولات»، فصلنامه ژئوپلیتیک ش سوم و چهارم، سال دوم، پاییز و زمستان

۴. صورتچی، محمد رضا، (۱۳۹۲)، «بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران بر امنیت منطقه ای و فرا منطقه ای»، مجله سیاست دفاعی سال بیست دوم شماره ۸۵ زمستان، صفحات ۱۵-۱۸

۵. عباسیان، حسن (۱۳۸۹)، «ناسیونالیسم عرب و اسلام»، در سایت خبری تابناک صفحه فرهنگی قابل مشاهده است.

۶. متقی، ابراهیم، (۱۳۸۹)، «گونه شناسی تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره جدید، سال سوم، شماره ۸ پاییز

۷. معنوی، احسان، (۱۳۹۳)، «بازخوانی جامعه شناختی زمینه تولید و مهار فتنه ۸۸»، خبرگزاری فارس